

اصلاح‌ناپذیری اصلاح‌پذیرها بیماری ایرانی!

با این وجود نام بسیاری دیگر از کشورهای نفتی (کشورهای حاشیه خلیج فارس، قزاقستان و...) را می‌توان در ردیف نیجریه قرار داد که خود را به تدریج از مملکه اصلاح‌ناپذیری و چرخه شوم حکمرانی منیع‌محور رهانیده و امروز در صف کشورهای توسعه‌یافته یا در شرف توسعه‌یافتگی قرار گرفته‌اند. موضوعی که گویا همچنان برای ایران یک تاب‌سوی بزرگ و به تعبیر دیگر منطقه ممنوعه است: «مثلت برمودای اصلاحات در کشور»! این روزها بیش از هر زمان دیگری چه نخبگان، خواص و کنشگران سیاسی و چه مطبوعات و رسانه‌های مکتوب بر ضرورت تصمیم‌گیری برای تحول و پوست‌اندازی در حکمرانی، قبل از آنکه کار از کار بگذرد، با ادبیات و کلمات مختلف تأکید دارند: هنگامه پارادایم‌شیفت در حکمرانی، زمان تصمیمات بزرگ، ضرورت بازطراحی استراتژی توسعه ملی و... تنها بخشی از این موارد است. هرچند این جریان تاریکی ندارد و سال‌هاست که ضرورت اصلاحات در کشور در تمامی حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر همگان مشخص است و اکثریت متولیان امر قبل از برعهده‌گرفتن مسئولیت خود در رسانه‌ها و افکار عمومی منادی ضرورت اصلاحات و تصمیم‌گیری معطوف به حل مسئله هستند، ولی به محض قرارگرفتن در صندلی تصمیم‌گیری، گویی آنها نیز جادو شده و در طلسم رمزآلود مثلت برمودای اصلاحات در کشور زمین‌گیر می‌شوند. اینکه چرا با وجود طرح و فهم ضرورت اصلاحات در کشور، این مهم هیچ‌گاه به عرصه اجرا و گرفتن تصمیمات بزرگ منتهی نشد، دو دلیل اصلی دارد:

اول) این گزاره که ساختار قدرت در کشور علی‌رغم برخی تلقی‌های غلط که چون یک ساختار بوروکراتیک متمرکز و از بالا به پایین است، بنابراین اصلاحات باید از عزم و خواست راس هرم قدرت سرچشمه بگیرد، اساسا ناصحیح است. ساختار قدرت در ایران پیچیده، تودرتو، مجمع‌الجزایری و مشحون از تعارض منافع است که در بهترین حالت جمع جبری بُردارهای قدرت صفری می‌شود و نیروهای مختلف همدیگر را خنثی می‌کنند و بر همین اساس علت‌العلل اصلی ماندگاری وضع موجود هم همین عامل است! بنابراین تصور اینکه یک روز صبح حاکمیت اصل اصلاحات در کشور را پذیرفته و برای آن برنامه مدون داشته باشد و آن را از صفر تا صد اجرا کند، یک تصور ساده‌اندیشانه‌ای است که به سبب فهم ناقص از ساختار شکل‌گیری و توزیع قدرت در کشور ایجاد شده است. دوم) وفور و ارزانی انرژی و منابع طبیعی (نفت، گاز، بنزین، برق، آب و...) این فضا را به حاکمیت، مجلس و دولت‌ها می‌داد تا با توزیع دست‌ودلبازانه و بدون محدودیت انواع پارانها و رانت‌ها به عموم مردم، سرویشتی بر روی حرفه‌های ناکارآمدی (تأمین پایدار و با منزلت معیشت، شغل، رفاه و سلامت آحاد جامعه) حکمرانی بگذارند. ولی امروز دیگر این تک‌فکر به ته دیک رسیده و دیگر استراتژی «از این ستون به آن ستون فرج است» جواب نمی‌دهد. بنابراین سال ۱۴۰۴ برای کشور ما بی‌شک آغازی بود بر یک پایان، پایان اتکا بر کاربست الگوهای سنتی و ناکارآمد حکمرانی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که اولاد در پذیرش واقعیات روی زمین، خواست اکثریت جامعه و نگرش علمی عقیم بوده و ثانیاً با جاماندن از شتاب فزاینده تحولات داخلی و خارجی بر برخی مفروضات از اساس غلط یا اثبات‌نشده با تلقی‌ها و باورهای نخب‌ناما و مندرس‌شده بنیان یافته بود. از جمله: اول) ایران از لحاظ منابع طبیعی کشوری ثروتمند است و این دارایی لازمال ابدی شرط لازم و کافی توسعه‌یافتگی است.

دوم) ایران بخشی از راه‌حل صلح و توسعه در منطقه و جهان است و بنابراین قدرت‌ها به تعامل و مذاکره با ایران نیازمندند. سوم) مجموعه راهبرد امنیت ملی و استراتژی دفاعی کشور (محور مقاومت + توان موشکی) ایجاد بازدارندگی مؤثر برای کشور می‌کند. چهارم) همچنان می‌توان کشور را با دست‌فرمان انگاره‌ها، الگوها، ارزش‌ها و خطوط قرمز برآمده از دو تا سه دهه اخیر و نسخه‌پیچی‌های مستخرج از آن اداره کرد.

پنجم) برای حل و رفع مصائب و گرفتاری‌های فراوری کشور (انواع و اقسام ناترازی‌ها و ناترازی‌ها) نمی‌توان با اتخاذ تصمیمات سخت و بزرگ امنیت روانی جامعه را به مخاطره انداخت.

ششم) بدون تنش‌زدایی از رابطه با دنیا، ادغام در اقتصاد جهان و دسترسی به بازارها، فناوری‌ها و سرمایه‌های خارجی و صرفاً با درون‌زایی منابع، استعدادها و قابلیت‌های کشور، توسعه در ایران تحقق‌پذیر است. واقعیت این است؛ چه شش گزاره فوق و چه بسیاری دیگر از گزاره‌های این چنینی که تا به امروز نظم حکمرانی در کشور بر روی آنها استوار شده، به اقتضای تاریخ مصرف خود رسیده و ما نیازمند یک بازنگری عمیق و دقیق در دستگاه حکمرانی کشور و خروج از تله خطاهای شناختی، تحلیلی و محاسباتی هستیم تا کشور بتواند همانند تجربه نیجریه، گرجستان، یونان، لهستان و بسیاری دیگر از مسیر تن‌دادن آگاهانه و شجاعانه به «اصلاح‌پذیری» در چهارراه تاریخ، مسیر پوست‌اندازی، تکامل و در نهایت اعتلا را انتخاب کند و منابع کشور و رضایت و اعتماد عمومی را در مرداب «اصلاح‌ناپذیری» و مقاومت در خصوص ضرورت پذیرش اصلاحات مستغرق نکند که قطعا سرنوشتی تلخ در انتظار خواهد بود. همه مسائل و مصائب فراوری امروز کشور از تأمین آب و انرژی گرفته تا حل ناترازی بودجه، بانک‌ها و صندوق‌ها و حتی خروج از تله پرونده هسته‌ای کشور همه و همه راه‌حل‌ها و علاج‌هایی مبتنی بر خرد و تجربه بشری (چنانکه سایر کشورها برای آنها راه‌حل یافتند و آنها را رفع کردند) دارند و بن‌بست‌نمایی و ناامیدسازی مردم از آغاز و انجام اصلاحات در کشور و برجسب‌زنی به دلسوزانی که سعی دارند تصمیم‌گیران و افکار عمومی را در این مسیر سوق دهند، قطعاً چیزی جز بازی در زمین دشمنان و بدخواهان ایران و ایرانیان نیست. با وجود تأخیرها و تعویق‌های فراوان برای چاره‌اندیشی مصائب و مسائل کشور و بیرون‌زدن پیامدها و سرریزهای بحران، امروز پذیرش شروع اصلاحات در کشور همانند ترس فردی است که از ترس سنگ‌کوب‌کردن هیچ‌گاه حاضر به پریدن در استخر آب سرد نیست و به راهنمایی‌ها و مشورت‌های اطرافیان برای غلبه بر این ترس وقتی نمی‌نهد.

خبر

دعوت از آثار سینماگران ایرانی به جشنواره ونکوور
چهل‌وچهارمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم ونکوور کانادا میزبان نمایش چند فیلم کوتاه و بلند داستانی و غیرداستانی از سینماگران ایرانی خواهد بود.

با اعلام فهرست فیلم‌های جشنواره فیلم ونکوور، فیلم کوتاه «کور در چشم» عاطفه خیرآبادی و مهرداد سپه‌نیا محصول مستند شرکت ایران و آلمان، «یک تصادف ساده» ساخته جعفر نایب، مسندت بلند «اوزاک پوللر» ساخته سارا خاکی و محمدرضا خاکی محصول مشترک ایران، هلند، آمریکا، آلمان، قطر، شیلی و کانادا، فیلم کوتاه «گل‌های شب دریا» به کارگردانی مریم‌تفکری محصول مشترک ایران، انگلیس و فرانسه، فیلم سینمایی «نون و گل‌دون» ساخته محسن محملباف، مستند «هملا» ساخته پیروز نعمتی محصول کانادا و ایران، فیلم سینمایی «سرباد» ساخته محمد اسماعیلی و «بیداده» از سهیل بیرقی در برنامه نمایش این رویداد سینمایی قرار گرفتند.
چهل‌وچهارمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم ونکوور که جزء برترین جشنواره‌های سینمایی آمریکای شمالی است، از ۲ تا ۱۲ اکتبر ۲۰۲۵ (۱۰ تا ۲۰ مهرماه) در ونکوور کانادا برگزار خواهد شد.



در روزهای منتهی به اعلام فیلم ایرانی برای حضور در مهم‌ترین رویداد سینمایی

کدام فیلم ایرانی به اسکار می‌رود؟

شرق: در روزهای گذشته فیلم‌هایی از سراسر جهان به نمایندگی از کشورشان برای شرکت در نودوششمین دوره جوایز اسکار اعلام شدند. طبق اعلام آکادمی اسکار، فیلم‌هایی که بین اول ژانویه تا ۳۰ ژوئن (۱۱ دی‌ماه ۱۴۰۳ تا ۹ تیرماه ۱۴۰۴) اکران شده‌اند، باید تا چهارشنبه ۱۰ سپتامبر (۱۹ شهریور) ارسال شوند. فیلم‌هایی که بین اول جولای تا ۳۱ دسامبر (۱۰ تیرماه تا ۱۰ دی) به نمایش درآمده‌اند، تا پنجشنبه ۱۳ نوامبر (۲۲ آبان) مهلت ارسال دارند و هنوز فیلمی از ایران برای حضور در این رویداد اعلام نشده است. مدت‌هاست که نام چند فیلم ایرانی که شرایط حضور در آکادمی اسکار را دارند، بیشتر شنیده می‌شود؛ فیلم‌هایی که هر یک طرفدار خاص خودشان را دارند. «زن و بچه» تازه‌ترین ساخته سعید روستایی یکی از فیلم‌هایی است که بحث برای حضور این فیلم در آکادمی اسکار زیادی شنیده می‌شود. فیلم «زن و بچه» نخستین بار در جشنواره فیلم کن دیده شد و پس از مدتی در ایران اکران عمومی‌اش را آغاز کرد.

«پیرپسر» به کارگردانی اکتای براهنی که از زمان نمایش در جشنواره چهل‌وسوم فیلم فجر تا به امروز، همچنان فیلم پرمخاطب و پرترفدار سینماهاست، از دیگر گزینه‌هایی است که شانس بالایی برای معرفی به آکادمی اسکار دارد. فیلم سینمایی «گریزه» ساخته سیاوش اسعدی که این فیلم نیز در بخش غیررقابتی جشنواره چهل‌وسوم فیلم فجر حضور داشت، یکی دیگر از فیلم‌هایی است که برای رقابت با دیگر فیلم‌های مطرح‌شده به میدان آمده است. این فیلم در مدت چهار سال در بیش از ۲۵ فستیوال مطرح بین‌المللی ازجمله بیست‌ویکمین دوره فستیوال ایمجین ایندیا در مادرید اسپانیا، سی‌امین دوره فستیوال الدنبرگ آلمان، بیست‌ویکمین دوره فستیوال ایسکیا گلوبال در ایتالیا و شانزدهمین دوره فستیوال سوفیا منار در بلغارستان حضور داشته

فرزانه متین

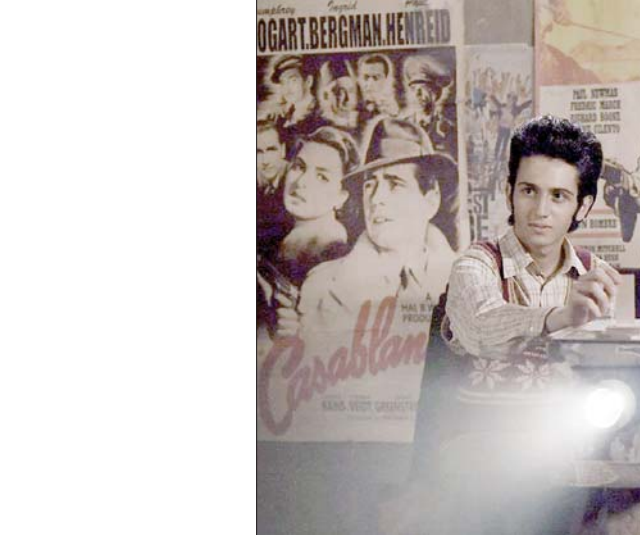
اضلاع تاریک سریال «بالارد»

پلیس، فساد و مردانگی

فرزانه متین

سریال بالارد (Ballard) که در ژانر جنایی و پلیسی ساخته شده، فقط یک مجموعه پلیسی و معمایی نیست، بلکه آینه‌ای است که تصویری تلخ از نهادی را نشان می‌دهد که به‌جای پناه مردم، در فساد و سوءاستفاده غوطه‌ور است. سریال در ۹ جولای ۲۰۲۵ بر روی سرویس نتانزین آمازون پرایم هم‌زمان ۱۰ اپیزود را منتشر کرد که بلافاصله مورد تحسین منتقدان قرار گرفت. این سریال آمریکایی، اسپین‌آفی بر سریال «باش: میراث» (Bosch: Legacy) بود که طی سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۵ پخش می‌شود. «باش: میراث» خودش یک اسپین‌آفی از سریال موفق «باش» (Bosch) است. این دنباله، قهرمان کهنه‌کار، هری باش، را در یک مسیر تازه نشان می‌دهد که پس از ترک اداره پلیس لس‌آنجلس، به عنوان کارآگاه خصوصی فعالیت می‌کند. این دو مجموعه یکی از پرترفدارترین و محبوب‌ترین سریال‌های آمریکایی با محوریت کارآگاهی است. جهان سریال «باش: میراث» درباره، هری باش، یک کارآگاه بازنشسته باهوش است. سریال بالارد نیز اقتباسی از زمان محبوب «کارآگاه هری باش» اثر مایکل کانلی محسوب می‌شود که توسط مایکل الایمو و کندال شرودر به نمایش درآمده است. مگی کیو، کورتنی تیلیور، مایکل موزلی، ریکا فیلد، ویکتوریا مورولس، امی هیل، جسان کارول لینچ و تاتیتوس ولیپور در نقش هری باش در این سریال به ایفای نقش می‌پردازند. داستان سریال درباره کارآگاه رنه بالارد با بازی مگی کیو، یکی از افسران مصمم پلیس لس‌آنجلس می‌چرخد که به‌تازگی سبخت تازه‌تاسیس‌شده پرونده‌های بایگانی‌شده (Cold Case Division) را بر عهده گرفته است. این واحد که به شکل نیمه‌داوطلبانه و با کمترین امکانات و بودجه اداره می‌شود، مأموریت دارد قتل‌های قدیمی و فراموش‌شده را دوباره بررسی و حقیقت را پس از سال‌ها آشکار کند.

بالارد در آغاز اپیزود اول، شروع هیجان‌انگیزی داشت. داستان با تعقیب‌وگریز مسلحانه آغاز می‌شود و زنی با اسلحه‌ای در دست در خیابانی تاریک می‌دود که پس از تعقیب‌وگریز سربانجام مظنون را تا داخل خشکسویی به دام می‌اندازد و اولین پرونده قتل خود را حل می‌کند و این زن کسی نیست جز کارآگاه بالارد. پس از اتمام این پلان، سریال رسماً شروع می‌شود و داستان دو خط موازی را دنبال می‌کند؛ یکی قتل مردی ناشناس است که سال‌ها پیش با یک نوزاد در ایستگاه دیده شده و انرژی از نوزاد نیست و مورد بعدی قتل خواهر ۱۶ساله یک سیاست‌مدار معروف است. سریال بالارد با دنبال‌کردن این دو قصه و حل یک پرونده فرعی در هر اپیزود باعث می‌شود داستان انسجام خود را از دست دهد. خرده‌پیرنگ‌های متعدد و تنوع شخصیت‌ها نیز مزید بر این علت شده است؛ از این‌رو در بیشتر اپیزودها داستان از نفس می‌افتد و ضرابه‌نگ فیلم‌کند می‌شود. با این حال، تلفیق فضای کلاسیک معماهای پلیسی با موضوعات اجتماعی به عنوان بن‌مایه اصلی فیلم تا انتها مخاطب را تشنه نگه می‌دارد. مجموعه بالارد بعد از سریال دیارتمان کیو با بازی درخشان متیو کود محصول امسال و تولید بریتانیا از خیلی جهات به یکدیگر شباهت دارند؛ اینکه هر دو کارآگاه این دو سریال در قسمت پرونده‌های حل‌نشده کار می‌کنند که با بودجه محدود، افراد داوطلب با آنها همکاری می‌کنند و هر دو شخصیت اصلی دارای عقبه‌ای تاریک هستند با این حال پیگیر و مصمم حل‌کردن پرونده‌های‌شان با همه موانع هستند. اما در سریال دیارتمان کیو،



در روزهای منتهی به اعلام فیلم ایرانی برای حضور در مهم‌ترین رویداد سینمایی

فیلمی که خیلی درباره آنها صحبت می‌شود- یعنی «زن و بچه» و «پیرپسر»- باید بگوییم من «زن و بچه» را اولین بار در جشنواره کن دیدم. از نظر من ساخته‌های قبلی سعید روستایی فیلم‌های بهتری بودند. «زن و بچه» موفقیت چشمگیری چه در فستیوال کن و چه در فستیوال معتبر دیگری نداشت. اما در مورد فیلم هم پیش رفت. امسال هم بر مبنای شنیده‌ها، احتمال بسیار بالایی وجود دارد که فیلم «یک تصادف ساده» ساخته جعفر نایهی و برنده نخل طلا را از سوی یک کشور اروپایی به اسکار معرفی کنند. الهه نوبخت، تهیه‌کننده و پخش‌کننده بین‌المللی فیلم، درباره روند انتخاب فیلم برای معرفی به اسکار به «شرق» گفت: «در مورد معرفی فیلم ایرانی به آکادمی اسکار پیش از هر چیز باید ببینیم که اسکار امسال هم مثل هر سال، یک جریان سینمایی است. برای همین هر یک از فیلم‌های سینمایی که از سینمای ایران انتخاب شوند، مسیر سختی پیش‌رو خواهند داشت. مقصود ما از مسیر سخت، قرارگرفتن بین ۱۰ یا پنج فیلم نهایی است.»

او ادامه داد: «اما در مورد گزینه‌های مطرح‌شده، امسال دو گزینه خیلی دیرینه داریم. «پیرپسر» و «زن و بچه» که هر دو در جشنواره کن دیده شدند. «زن و بچه» به نظر من این گزینه می‌تواند فرصت بهتری برای سینمای ایران محسوب شود. اما در کل می‌توانم بگویم شرایط برای هر یک از فیلم‌های ایرانی مثل همیشه سخت خواهد بود و قرارگرفتن در فهرست نهایی بسیار سخت‌تر است. کماکان امیدوارم در سال‌های آینده فیلم‌هایی که موفق به دیده‌شدن در سطح بین‌المللی شدند و دارای پروانه ساخت و نمایش هم نباشند، شرایط بررسی به عنوان فیلم ایرانی معرفی‌شده به آکادمی اسکار را داشته باشند؛ چراکه اساساً فکر می‌کنم فیلم‌هایی از این دست هم می‌توانند گزینه‌های خوبی باشند و امیدوارم در سال‌های آینده شاهد این اتفاق باشیم.»

فرزانه متین



شخصیت‌پردازی‌ها قوی و ساختاری منسجم‌تر دارند و از منظر روان‌شناختی، ارزش بسزایی دارد؛ به طوری که علاقه‌مندان این نوع ژانرها، از تماشای سریال بریتانیایی لذت بیشتری می‌برند، ولی سوزه در سریال بالارد تقریباً کلبه‌شای است؛ هرچند قابل پیش‌بینی نیست. آنچه این سریال را از سایر آثار هالوودی در این نوع ژانر متمایز می‌کند، شخصیت‌پردازی جان‌دار و عمیق رنه بالارد است. مگی کیو که بیشتر به عنوان بازیگر سریال‌ها تلویزیونی در نقش‌های اکشن شناخته شده است، در این سریال به‌خوبی توانسته ویژگی‌های یک کارآگاه زن کارنیزماتیک، زیرک، محتاط و همدل را به نمایش درآورد. او در مورد سریال می‌گوید: «این داستان، تلاش‌های بی‌وقفه مردان و زنانی است که در راه عدالت خدمت می‌کنند و آن را به تصویر کشانده است». از سوی دیگر، سریال با اینکه اسپین‌آف مجموعه معروف و شناخته‌شده‌ای است، اما کاملاً هویتی مستقل دارد و حضور هری باش در چندین سکانس رها حمایت از رنه بالارد است که برای مخاطبان هری باش، این بخش‌ها جذاب محسوب می‌شود.

مهم‌ترین موضوع سریال، نقد اجتماعی است که به وضوح در تمامی اپیزودها به ساختار مردسالارانه سیستم پلیس آمریکا اشاره شده است. پلیس در این روایت غیرخطی، نه به عنوان نماد قانون، بلکه به عنوان بازوی قدرت مردسالارانه عمل می‌کند و زنان نیز در دو جایگاه تعریف می‌شوند: قربانیان خاموش که نگاه‌های تحقیرآمیز به آنان یادآور ساختار سنتی و کهنه‌ای است که هنوز در این‌گونه سیستم‌ها بازتولید می‌شود و زنانی که برای برابری و برقراری عدالت می‌جنگند هرچند محکوم به شکستند. بخش دیگری از این تعاملات که در اداره پلیس دیده می‌شود، زدوبندهای درون‌سازمانی است. در واقع سریال، پلیس‌هایی را به تصویر می‌کشانده که بیش از آنکه دغدغه اجرای قانون داشته باشند، گرفتار معاملات پنهانی با کارتل‌ها، رانت و سوءاستفاده از قدرت هستند. در اینجا فساد یک خطای فردی محسوب نمی‌شود، بلکه سیستمی است.

مهم‌ترین درگیری ذهنی که مخاطب پس از اتمام سریال با آن مواجه می‌شود، این است که وقتی پلیس در تاریکی فساد و مردسالاری گم شده است، چه کسی امنیت را تضمین می‌کند؟ مخاطب در انتهای اپیزود آخر با یک غافلگیری شوکه‌کننده و پابانی غیرمنتظره روبه‌رو می‌شود که می‌توان گفت آن را باید مهم‌ترین نقطه قوت سریال دانست که با توجه به آمار بالای بینندگان، خبر تولید فصل دوم این سریال رسماً اعلام شد و به‌زودی فیلم‌برداری آن در شهر نیویورک آغاز خواهد شد.

سریال در وب‌سایت راتن‌تومیتوز امتیاز ۷.۰۶ و نمره ۷.۰۶ را از سایت IMDb دریافت کرده است.

یادداشت

اسنپ‌بک ومیدان روایت؛ آزمون اعتماد و انسجام ملی

• در سطح اقتصادی و اجتماعی تأثیر مستقیم بر معیشت و روان جمعی • و در سطح روانی عاملی برای امید یا نارضایتی عمومی.

روایت‌های رقیب در حال شکل‌گیری

نشانه‌های آشکار عملیات ذهنی علیه ایران هر روز دیده می‌شود: • ترامپ فیلمی از سخنان علی مطهری را بازنشر می‌کند تا بگوید «ایران خودش اعتراف می‌کند». • تانیا‌هو در گفت‌وگو با فاکس‌نیوز، خطاب به مردم آمریکا می‌گوید: «ایران موشک‌های بالستیک دوربرد با کلاhek هسته‌ای می‌خواهد تا به شما و هر آمریکایی حمله کند». • رافائل کروسوی در مصاحبه با فاکس‌نیوز به جمهوری اسلامی هشدار داد: «اگر بخواهید از تکرار آنچه در ژوئن (جنگ ۱۲روزه) دیدیم جلوگیری کنید، باید این فعالیت‌ها (بازرسی‌های آژانس) از سر گرفته شوند».

اینها قطعات پراکنده نیستند، بلکه اجزای یک شبکه هماهنگ روایت‌سازی هستند که افکار عمومی را هم‌زمان در سه سطح هدف گرفته‌اند: ۱. افکار عمومی آمریکا و غرب برای مشروعیت‌بخشی به فشارها ۲. افکار عمومی منطقه برای بازدارندگی و منروزی‌سازی ایران ۳. افکار عمومی داخلی برای ایجاد تردید، بی‌اعتمادی و فرسایش انسجام اجتماعی.

جنگ‌های نو؛ فتح ذهن‌ها

در جنگ‌های نو، هدف نهایی دیگر فتح سرزمین نیست، بلکه تسخیر ذهن‌هاست. روایت در این میدان، به اندازه موشک و تانک تعیین‌کننده است. هر طرفی که بتواند ذهن‌ها را قانع کند، پیش از آغاز هر نبردی پیروز خواهد بود. اسنپ‌ک نیز بیش از آنکه یک مکانیسم تحریمی باشد، بهانه‌ای برای تقویت روایت‌های رقیب علیه ایران است.

ضرورت روایت‌گری حقیقت‌محور

ایران اگر نمی‌خواهد در این میدان بازنده باشد، باید روایت خود را سریع، صریح و حقیقت‌محور به جامعه و جهان ارائه کند. مردم باید بدانند چرا اسنپ‌ک فعال شد، ایران چه توان و چه محدودیت‌هایی داشته و تدبیر آینده چیست. باید روشن توضیح داده شود آیا ایران با تدبیر و آگاهی انتخاب کرد که مانع فعال‌شدن اسنپ‌ک نشود، یا آنکه می‌خواست مانع شود اما نتوانست، یا اینکه در بزنگاه تصمیم‌گیری دچار تردید و دودلی شد. این شفافیت صرفاً اقناع نیست، بلکه ایجاد میدان معنایی مشترکی است که انسجام ملی بر آن استوار می‌شود.

اتحاد پایدار زمانی شکل می‌گیرد که مردم نه در حاشیه، بلکه در متن وقایع قرار گیرند. آنان باید در جریان تحولات روز، چشم‌انداز آینده و حتی ستارنیوه‌ای تصمیم‌ها نیز قابل جامعه‌ای که آگاه باشد، بهتر از هر نیروی دیگری ظرفیت همراهی و مقاومت را دارد. شرط انسجام، روایت صادقانه و پیش‌دستانه است. بدون آن، هیچ کنش سیاسی جمعی شکل نمی‌گیرد و حتی درست‌ترین تصمیم‌ها هم به چشم مردم تردید و خطا جلوه خواهد کرد.

جمع‌بندی

اگر روایت به‌موقع و شفاف و حقیقت‌محور ارائه شود، حتی پرهیزنده‌ترین تصمیم‌ها نیز قابل تحمل خواهند بود. اما اگر روایت به تأخیر افتد، هر تصمیمی -حتی اگر تدبیرمندانه باشد- به چشم جامعه محصول تردید و بی‌تدبیری تعبیر خواهد شد. در جهانی که بیش از هر زمان دیگری به میدان روایت بدل شده است، سیاست ایران نمی‌تواند تنها با تصمیم‌گیری پشت درهای بسته پیش برود. حقیقت‌محوری و روایتگری صریح، شرط اصلی اتحاد و انسجام ملی است.